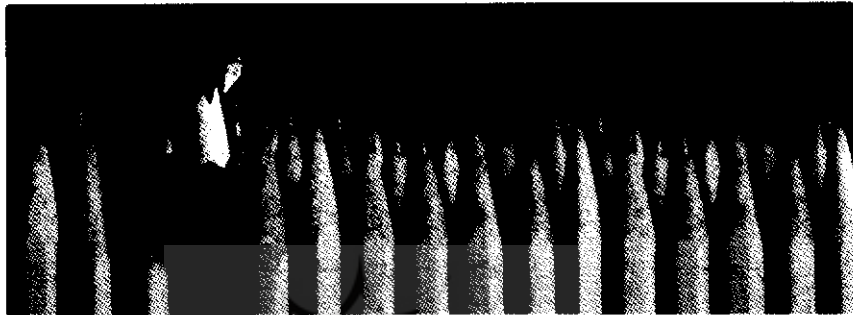


تبلیغ بدون عمل

سیدعباس رفیعی پور



تبلیغ و اهمیت آن

«تبلیغ» از ریشهٔ بلاغ^۱ به معنای رساندن خبر و پیام به دیگری است. مُبَلِّغ، فردی است که با تمام توان، کوشش می‌کند تا با ابزار تبلیغی مثل: بیان، قلم و عمل، اندیشه‌های خود را که ریشه در دین و مذهب دارد، در طبق اخلاص نهاده و به مخاطب تقدیم نماید.

در قرآن کریم، واژهٔ «بَلَّغَ» و مشتقات آن، ۷۷ بار به کار رفته است. در روایات اسلامی نیز این کلمه و ترکیبات مختلف آن استفاده شده است؛ چنان که پیامبر مکرّم ﷺ خود را

به عنوان یک مبلغ به جامعه معرفی می‌کند: «أَنَا مُبَلِّغٌ وَ اللَّهُ يَهْدِي»^۲ همانا من فقط رساننده‌ام و خدا هدایت می‌کند.»

خدای سبحان نیز برای به انجام رساندن پیامهای خود، خطاب به حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ عَلَيْكَ الْإِبْلَاقُ»^۳ «جز تبلیغ، بر عهده تو نیست.»

قدر و منزلت مبلغ در پیشگاه

۱. المفردات، الراغب الاصفهانی، واژه البلوغ و البلاغ.

۲. کنز العمال، ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۱۶۰۱۰.

۳. شوری/۴۸.

اهمیت و حساس؛ یعنی دنیا با تبلیغات حرکت می‌کند. آن قدری که دشمنان ما از حربۀ تبلیغات استفاده می‌کنند، از طریق دیگری نمی‌کنند و ما باید به مسئله تبلیغات، بسیار اهمیت دهیم و از همه چیزهایی که هست، بیشتر به آن توجه کنیم.^۳

باید این نکته را افزود که هرچند سخن در گذر تاریخ، مهم‌ترین ابزار انتقال پیام به مردم بوده است، اما اگر سخن با عمل توأم نباشد، کارآمدی آن کم اثر است و اگر بیان، قدرت سحر داشته باشد، عمل، قدرت اعجاز دارد و رهبران الهی ما بیش از تبلیغ با سخن، تأکید بر تبلیغ با عمل دارند.^۴

البسته باید گفت ممکن است آسیبهای دیگری دامنگیر تبلیغ شود؛ اما این نوشتار می‌کوشد تا یکی از آسیبهای تبلیغ را فراروی خوانندگان محترم قرار دهد.

خداوند از هزاران عابد بالاتر است؛ زیرا به عابد گفته می‌شود: «انْطَلِقْ اِلَى الْجَنَّةِ؛^۱ برو به سوی بهشت» اما به مبلغ گفته می‌شود: «قَبْ! تَشْفَعُ لِلنَّاسِ بِحَسَنِ تَادِيبِكَ لَهُمْ؛^۲ بایست و به پاس ادبِ نیکی که به مردم آموختی، شفاعتشان کن.»

مبلغان علاوه بر داشتن انگیزه قوی و پیام فرهنگی غنی و شایستگیهای بایسته جهت تحقق بخشیدن به آرمانهای مقدس اسلام، باید به قدرت انتقال پیامها با ابزارهای مختلف مجهز باشند. در این میان قوی‌ترین وسیله برای انتقال پیام به مردم، سخن است که از شمشیر برنده‌تر است و در قالبهایی چون خطابه، مناظره و موعظه قابل انتقال به روان جامعه است. در این رهگذر است که با این ابزارهای کاربردی جهت اطلاع‌رسانی به مردم، برتری اسلحهٔ بیان و سخن بر اسلحه نظامی مشخص می‌شود.

حضرت امام خمینی علیه السلام در اهمیت موضوع تبلیغ فرموده است:

«تبلیغات مسئله‌ای است پر

۱. علل الشرایع، ص ۳۹۴، ح ۱۱؛ بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۶، ح ۳۶.
 ۲. علل الشرایع، ص ۳۹۴، ح ۱۱.
 ۳. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۵۷.
 ۴. تبلیغ در قرآن و حدیث، ص ۲۷.

را می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟ نزد
خدای سبحان ناپسند است که چیزی
را بگویید که انجام نمی‌دهید.»

و یا در فرازی دیگر آمده است:
﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ
تَثَلَوْنَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾؛^۲ «آیا مردم را
به نیکی فرمان می‌دهید و خود را
فراموش می‌کنید، در حالی که شما
کتاب الهی را می‌خوانید؟ آیا
نمی‌اندیشید؟»

رسول الله ﷺ خطاب به اباذر
می‌فرماید:

«يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ وَاَفَّقَ قَوْلَهُ فَعَلَهُ فَذَلِكَ الَّذِي
أَصَابَ حَظَّهُ وَمَنْ خَالَفَ قَوْلَهُ فَعَلَهُ فَذَلِكَ
الْمَرْءُ إِنَّمَا يُؤَيِّخُ نَفْسَهُ؛^۳ ای ابوذر! آن که
سخنش با عملش موافق باشد، فردی
است که بهره‌اش را [از این کار] برده
است. اما آن که گفتارش با رفتارش
هم‌آهنگ نیست، فقط خویشتن را
سرزنش می‌کند.»

پیامبر اکرم ﷺ در خصوص کيفر

مبلغان علاوه بر داشتن

انگیزه قوی و پیام

فرهنگی غنی و

شایستگی‌های بایسته

جهت تحقق بخشیدن

به آرمانهای مقدس

اسلام، باید به قدرت

انتقال پیامها با ابزارهای

مختلف مجهز باشند.

تبلیغ بدون عمل

یکی از آفات تبلیغ از منظر قرآن
کریم و سخنان معصومین علیهم‌السلام عدم
همخوانی گفتار با کردار است. خدای
سبحان به مبلغانی که می‌گویند؛ اما
عمل نمی‌کنند، چنین می‌فرماید: ﴿يَا
أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ
مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾؛^۱ «ای
کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی

۱. صف/۳-۲.

۲. بقره/۴۴.

۳. الامالی، الطوسی، ص ۵۲۸، ح ۱۱۶۲؛

بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۷۷، ح ۳.

فرزندم! به آنچه مردم را
امر می‌کنی، خود عامل‌تر
باش و از آنچه آنان را
باز می‌داری، خود بیش‌تر
دوری کن.

وَأَجْسَادُهُمْ شُرَّ مِنَ الْجَنِينِ؛^۱ بعد از من
زمامدارانی خواهند بود که بر فراز
منبرهایشان حکمت داده می‌شوند؛ اما
هنگامی که [از کرسی خطابه] پایین
می‌آیند، حکمت از آنان جدا می‌شود.
قلبها و بدنهای آنان، از مردار بدتر
است.

امام علی علیه السلام نیز در فرآزی از
وصیتش به محمد حنفیه چنین آورده
است:
«يَا بُنَيَّ... كُنْ آخِذَ النَّاسِ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ،
وَأَكْفَ النَّاسِ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ؛^۲ ای فرزندم! به
آنچه مردم را امر می‌کنی، خود عامل‌تر
باش و از آنچه آنان را باز می‌داری، خود
بیش‌تر دوری کن.»

امام علی علیه السلام در بیانی دیگر در
خصوص موعظه به دیگران می‌فرماید:
«لَا تُكُنْ مِمَّنْ... يُبَالِغُ فِي السَّمْوَةِ عِظَةً وَلَا
يَتَعَطَّ، فَهُوَ بِالْقَوْلِ مُدْبِلٌ وَمِنَ الْعَمَلِ مُسْقِلٌ،

کسانی که گفتارشان با اعمالشان
همخوانی ندارد، چنین می‌فرماید: «در
شب معراج به مردمی برخوردم که
لبهای آنان را با قیچیهای از آتش
می‌بریدند و هرچه بریده می‌شد دوباره
جایش پر می‌شد. پرسیدم: جبرئیل!
اینها چه کسانی‌اند؟ گفت: خطبای امت
تواند که به آنچه می‌گویند عمل
نمی‌کنند و قانون الهی را می‌خوانند اما
آن را انجام نمی‌دهند.»^۱

همچنین آن حضرت صلی الله علیه و آله درباره
زمامداران حراف می‌فرماید:

«سَيَكُونُ بَعْدِي أَيْمَةٌ يَغْطُونَ الْحِكْمَةَ
عَلَىٰ مُنَابِرِهِمْ فَإِذَا نَزَلُوا نَزَعَتْ مِنْهُمْ قُلُوبُهُمْ

۱. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۲۳، به نقل از مجمع
البيان.

۲. کنز العمال، ج ۶، ص ۷۴، ح ۱۴۸۹۸.

۳. الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۷، ح ۵۸۳۴.

يُنَافِسُ فِي مَا يَفْنَىٰ وَيُسَامِحُ فِي مَا يَبْقَىٰ، يَتَوَىٰ
 الْغَنَمَ مَغْرَمًا، وَالْقَرْوَمَ مَغْنَمًا؛^۱ از جمله کسانی
 نباش که... در موعظه [دیگران] سخت
 کوشند؛ اما خود از آن پند نگیرند. در سخن
 گفتن زبر دستند؛ اما در عمل کوتاه دست.
 در آنچه نابود می شود، به رقابت
 می پردازند؛ اما در آنچه باقی می ماند،
 سهل انگاری می کنند. سود را زیان، و زیان
 را غنیمت به شمار می آورند.»

روایت شده است که
 سیدالساجدین، امام زین العابدین علیه السلام
 وارد مسجدالحرام شد. مشاهده کرد که
 حسن بصری جمعی را دور خود گرد
 آورده و آنان را موعظه می کند. معروف
 بود که او طبق نظر معتزله عمل می کند.
 امام سجاد علیه السلام به او فرمود: حسن
 بصری! آیا در موقعیتی هستی که به
 مرگ خود راضی باشی؟ وی جواب
 داد: نه! امام فرمود: آیا اطمینان داری که
 تا هنگامی که فرصت توبه داشته باشی،
 زنده بمانی؟ گفت: نه! امام فرمود: آیا
 در وقت جان دادن، فرصتی هست؟

گفت: نه! امام علیه السلام از او پرسید: آیا پس از
 مرگ، عملی هست؟ گفت: نه! آنگاه
 حضرت علیه السلام به حسن بصری فرمود:
 پس خودت را موعظه کن و دست از
 سر مردم که از راهی دور به طواف خانه
 خدا آمده اند، بردار.»^۲

هنگامی که امام علیه السلام از آنجا
 گذشت، حسن بصری پرسید: این
 کیست؟ گفتند: علی بن الحسین علیه السلام
 است. گفت: اینها اهل بیت دانش اند.
 پس از این، دیگر دیده نشد که حسن
 بصری مردم را موعظه کند.^۳

امام باقر علیه السلام نیز درباره عالم
 بی عمل می فرماید:

«يَا بْنَ آدَمَ كَيْفَ تَتَكَلَّمُ بِالْهَدْيِ وَأَنْتَ لَا
 تُفْقَهُ عَنِ الرَّدَىٰ؛^۴ ای پسر آدم! چگونه در
 مورد هدایت دیگران سخن می گویی، در
 حالی که خود در خواب غفلت به سر
 میبری؟»

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰.

۲. اعلام الدین، دیلمی، ص ۳۲۸.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۴۶، ح ۲.

۴. الامالی، للطوسی، ص ۲۰۳، ح ۳۴۶.